

دستور زبان فارسی :

۲ - قید، صفت و ... (Adverb, Adjective, ...)

| | |
|-------|---|
| تند | این فلفل خیلی تند است. |
| تند | این کمپیوتر خیلی تند کار می کند. |
| تند | خواهش می کنم، کمی تندتر راه برو! |
| تند | خواهش می کنم، این بار تند نباش! |
| | |
| تازه | من، تازه از خواب بیدار شده ام. |
| تازه | کفش های من تازه هستند. |
| تازه | من، هر روز برای ناشتایی، نان تازه می خرم. |
| تازه | تازه چه خبر؟ |
| تازه | تازه ها، پیش شما ست. |
| | |
| نزدیک | ما، نزدیک وین خانه خریدیم. |
| نزدیک | نزدیک خانه ما، فروشگاه زیاد است. |
| نزدیک | ایستگاه اتوبوس، به مدرسه ما نزدیک است. |
| نزدیک | محل کار من، به خانه ام، نزدیک است. |
| نزدیک | نزدیک دانشگاه ما، یک رستوران خوب است. |

دستور زبان فارسی :

۱- واژه های پرسشی

(Frageform, Satzfrage)

| | |
|------|---|
| چرا؟ | شما، چرا به مدرسه می روید؟ |
| چون | چون، می خواهیم خواندن و نوشتن یاد بگیرم. |
| چرا؟ | چرا، او هر روز به دیدن پدرش می رود؟ |
| چون | چون، پدرش از یک هفته پیش بیمار است. |
| چرا؟ | چرا، شما دیروز با ما به سینما نیامدید؟ |
| چون | چون من خسته بودم، با شما به سینما نیامدم. |
| | |
| کی | این آقا کی بود؟ این آقا یکی از دوستان من است. |
| کی | کی به شما گفت که امروز دانشگاه بسته است؟ |
| کی | شما، آخر هفته با کی به گردش می روید؟ |
| کی | مدیر این آموزشگاه کی است؟ |
| کی | نمی دانم با کی، می توانم گفتگو کنم. |
| | |
| کی | کی این فروشگاه باز می کند؟ |
| کی | کی قرار است همدیگر را ببینیم؟ |
| کی | من کی به تو گفتم، که نمی آیم؟ |
| کی | از کی پیوستم، که کی آزمون داریم؟ |